

## تبیین نقش مشارکت زنان روستایی در توسعه روستایی (مطالعه موردی دهستان شاور شهرستان شوش)

هستی فتوتی<sup>۱\*</sup>، مسعود برادران<sup>۲</sup>، سیروس سلمانزاده<sup>۳</sup> و منصور غنیان<sup>۴</sup>  
۱، ۲، ۳، ۴، دانش آموخته کارشناسی ارشد، عضو هیات علمی، استاد بازنشسته و  
عضو هیات علمی دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان  
(تاریخ دریافت: ۹۰/۱۱/۶ - تاریخ تصویب: ۹۱/۱۲/۹)

### چکیده

امروزه مشارکت زنان در توسعه پایدار روستایی، نه یک مسأله اختیاری، بلکه یک امر ضروری است. این پژوهش کاربردی با هدف تبیین نقش مشارکت زنان روستایی در توسعه پایدار روستایی و با روش توصیفی-پیمایشی در دهستان شاور شهرستان شوش صورت پذیرفت. جامعه آماری ۳۵۲۵ نفر و حجم نمونه بر اساس جدول کرجی و مورگان ۳۵۰ نفر تعیین و با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای با انتساب متناسب انتخاب شد. ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه بوده، که روایی آن با بهره‌گیری از پانل متخصصان و پایایی آن پس از انجام مطالعه پیش‌آزمایش و با استفاده از آماره آلفای کرونباخ برای هر یک از گویه‌های زمینه اقتصادی مشارکت و موانع مشارکت به ترتیب (۰/۹۳ و ۰/۸۹) تأیید شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها توسط نرم‌افزار SPSS صورت گرفت. نتایج مطالعات همبستگی وجود ارتباط مثبت و معنی‌دار بین سن و بعدخانوار و میزان مشارکت در فعالیتهای اقتصادی را با احتمال ۹۹ درصد نشان داد. همچنین بین سطح تحصیلات و میزان مشارکت در فعالیتهای اقتصادی رابطه منفی و معنی‌دار با احتمال ۹۹ درصد وجود داشت. یافته‌های پژوهش نشان داد که زنان در فعالیتهای تولیدی مرتبط با صنایع دستی در مقایسه با سایر فعالیتهای مشارکت بیشتری داشتند. اما متأسفانه حضور آنان در فعالیتهای اجتماعی و فرهنگی از جمله در مراکز تصمیم‌گیری از قبیل شورای اسلامی روستا و یا همکاری با دهیاری روستا با وضعیت مطلوب فاصله زیادی داشت.

**واژه‌های کلیدی:** مشارکت، زنان روستایی، توسعه پایدار روستایی، شهرستان شوش.

### مقدمه

انکارناپذیر می‌باشد (Yaghubi, 2005). به بیان دیگر، توسعه منابع انسانی، عامل کلیدی و پیش شرط ضروری برای دستیابی به توسعه پایدار روستایی به شمار می‌رود. از این رو جهت نیل به توسعه پایدار روستایی، لازم است زمینه‌ای مناسب، جهت رشد و تعالی کلیه روستاییانی که برنامه برای آنان طراحی شده، ایجاد شود. بدین معنی که هر دو گروه زنان و مردان روستایی به راحتی

امروزه، اهمیت توسعه روستایی و نقش حیاتی آن در توسعه و پیشبرد کشورها و به ویژه کشورهای در حال توسعه بر هیچ‌کس پوشیده نیست و به باور کارشناسان و دست‌اندرکاران امر، تحقق این مهم در گرو توسعه منابع انسانی است. به همین اعتبار، اولویت رشد و توسعه منابع انسانی بر سایر وجوه توسعه روستایی، امری

در خصوص توجه بیشتر به نقش زنان و افزایش مشارکت آنان در فرایند توسعه پایدار، می‌توان به تعدیل شرایط موجود پرداخت (Nezhadi, 2004). به همین خاطر لازم است تا راهبردها و برنامه‌های توسعه به گونه‌ای طراحی شوند که متضمن یکپارچه‌سازی و مشارکت کامل زنان در تمامی سطوح برنامه‌ریزی، اجرا، نظارت و ارزشیابی در مراحل مختلف چرخه فرآیند توسعه باشند. با توجه به این رهیافت، علاوه بر آمادگی مسیر مشارکت و افزایش نقش اساسی زنان، حقوق و پاداش‌های متناسب با سهم آنان در جامعه تضمین و تأمین می‌گردد (Movahhed et al., 2006).

بنابراین به‌طور کلی می‌توان گفت در فرایند توسعه پایدار، مشارکت متغیری اساسی است و درون‌زایی و عدالت‌خواهانه بودن، زنان را به عنوان نیمی از افراد جامعه به مشارکت فرا می‌خواند، بحث و سخن‌های اخیر در باب توسعه نشان داده‌است که نه تنها در فرایند توسعه اکثر کشورهای جهان سوم، موقعیت اجتماعی گروه‌های محروم و از جمله زنان بهبود نیافته‌است، بلکه تضادهای موجود بین نقش سنتی زنان و تقاضای ایشان در شرایط گذار به تردید در مفهوم توسعه نیز منجر گردیده‌است. مشارکت متناسب و ملازمه توسعه پایدار آن است که اولاً مبتنی بر آگاهی، اراده و خواست افراد باشد، ثانیاً نامحدود باشد بدین معنی که دربرگیرنده تمامی عرصه‌های کار و زندگی باشد (Safari-Shali, 2001).

علی‌رغم تمامی این مسایل، برخی از جنبه‌های کلیدی مرتبط با حضور و جایگاه زنان در فعالیت‌های مرتبط با توسعه پایدار در نواحی روستایی هنوز به درستی روشن نیست. این که آیا زنان از دیدگاه خود، جایگاهی در بسط و گسترش پایداری در نواحی روستایی دارند؟ چه عواملی می‌تواند یا توانسته است مشارکت زنان را در این بخش تحت تاثیر قرار دهد؟ آیا خود زنان از اهمیت و جایگاه خود به عنوان نیروهای تاثیرگذار بر توسعه پایدار آگاهند؟ سؤالاتی هستند که ذهن محققان را در این پژوهش به خود معطوف داشته و این پژوهش سعی نموده است، ضمن پاسخ به این سؤالات از دیدگاه خود زنان، به معرفی زمینه‌ها و عرصه‌های حضور زنان روستایی در فعالیت‌های مرتبط با

قادر باشند از تسهیلات فراهم شده، جهت ارتقاء سطح معلومات و توانایی‌های خود بهره گیرند (Veisi & Badsar, 2005). شواهد گوناگون نشان می‌دهند که تاکنون کانون توجه برنامه‌ریزان مسایل روستایی بیشتر مردان روستایی بوده و به زنان روستایی کمتر توجه شده‌است و این مسئله اثرات زاینباری در پی داشته که تأثیر آن در کشورهای جهان سوم بیشتر مشهود است، این در حالی است که طبق آمار و ارقام موجود زنان روستایی نقش عمده‌ای در تولید محصولات گوناگون زراعی، دامی، صنایع‌دستی و تبدیلی بر عهده دارند و در عین حال با موانع و مشکلات زیادی در انجام فعالیت‌های خود مواجه هستند (shamahmoodi et al., 2009). کلیشه حاکم بر افکار مردان در خصوص نقش مادری و همسری زنان به ویژه در محیط روستایی از مهم‌ترین عوامل اثر گذار بر فعالیت‌های مشارکتی و اجتماعی زنان است، زیرا در فرهنگ سنتی روستا اجازه و موافقت مردان برای انجام هر گونه فعالیتی توسط زنان ضروری است. از این رو هرچند زنان در سه نظام بازتولید زیست‌شناختی، بازتولید اجتماعی و بازتولید نیروی کار در روستا نقش اساسی ایفا می‌کنند، اما نظام موجود بر پایه روابط و کلیشه‌های جنسیتی در روستا همواره آنان را به حاشیه می‌راند و نابرابری‌های جنسیتی را تقویت می‌کند. فرودستی زنان با محدودیت‌های آنان در کنترل منابع و دسترسی به اطلاعات دوام و قوام پیدا می‌کند و موجب می‌شود تا آنان از مشارکت فعال و پویا در فرایند توسعه باز بمانند (Hajilo & khani, 2008).

زنان روستایی به عنوان نیمی از جامعه روستایی، علی‌رغم نقش‌های متعدد و متنوع خویش، در فعالیت‌های اقتصادی نه تنها منشأ تحول اساسی و بنیادی نشده‌اند، بلکه از نظر فردی نیز دچار فرسایش شدید جسمی و روحی گردیده‌اند. شناخت توانایی این قشر از جامعه که علاوه بر نقش تولیدکنندگی، به عنوان مادر، همسر و مربی نیز مطرح می‌باشند، می‌تواند گامی در جهت رفع نواقص موجود و تواناسازی آنان جهت مشارکت در برنامه‌های توسعه پایدار باشد. نادیده انگاشتن نقش زنان باعث کند شدن فرایند توسعه و یا حتی عدم دستیابی به آن شده‌است. اما با اتخاذ تدابیر هوشمندانه و با هدف قراردادن راهبردهای اصلاح‌گرایانه

مؤثر و افزایش فرصت‌های برابر برای انسان‌ها؛ یکپارچگی و پیوند موزون جوامع روستایی با کلیت سرزمین (Abdollahi, 2005). مشارکت عمومی و فراگیر زنان یک جامعه، روستا، محله و یا یک گروه اجتماعی در تصمیم‌گیری‌ها و فعالیت‌ها و برنامه‌ها و اموری که به گونه‌ای با اهداف توسعه ملی و منطقه‌ای مرتبط است، متغیری کلیدی در مباحث علوم اجتماعی است که در چند دهه گذشته مورد توجه بسیاری از صاحب‌نظران مسایل اجتماعی، اقتصادی و بالاخص فرهنگی قرار گرفته و به عنوان یکی از اساسی‌ترین حقوق دموکراتیک زنان یک جامعه تلقی می‌شود (Safari-Shali, 2008). تحقیقات در مورد زنان مزدبگیر و زنانی که در بخش غیررسمی به کار مشغول بودند هم در شهر و هم در روستا باعث شد که اهمیت و انواع فعالیت‌های تولیدی زنان در اقتصاد جهان سوم روشن شود. دست‌اندرکاران و سیاست‌گذاران تمرکز خود را از برنامه‌هایی که به صورت قاعده کلی در جهت رفاه خانواده‌ها بود و در آن مادر بودن را مهمترین نقش زنان در فرایند توسعه می‌دانست برداشته و به نظریه‌های دیگری که به نقش زن به عنوان تولیدکننده توجه داشت معطوف کردند (Clayton et al., 2003).

زنان روستایی ایفاگر نقشی حیاتی در نظام خانه و مزرعه هستند. یک زن روستایی به طور قابل ملاحظه‌ای در بخش کشاورزی، مدیریت دام، فعالیت‌های پس از برداشت محصول و امور مرتبط حضور دارد. مشارکت مستقیم و غیرمستقیم او در سطح خانه و مزرعه همراه با انجام مدیریت دام علاوه بر پس‌انداز دارایی‌های خانواده، درآمد را نیز افزایش می‌دهد. چنین زنانی از لحاظ فنی خود را نیرومند می‌کنند تا از عهده تغییرات برآمده و بتوانند از وقت آزاد و مهارت‌های موجود خود برای مشارکت و حفظ آن به گونه‌ای مفید بهره ببرند (Sathiabama, 2010).

مشارکت زنان کلید موفقیت هر اقدامی است که به منظور نیل به بهبود وضعیت جامعه و تسهیل توسعه پایدار صورت می‌گیرد؛ از این رو می‌توان گفت مشارکت زنان همراه با مردان سبب می‌شود تا روحیه خودباوری، اعتماد به نفس و مسئولیت‌پذیری در آنان تقویت شده و هنگام رویارویی با مشکلات گامی در جهت رفع مشکلات

توسعه پایدار و شناسایی و اولویت‌بندی مسایلی که می‌تواند این حضور را تحت‌تأثیر قرار دهد، اقدام نماید.

### مبانی نظری

در تعریف سازمان ملل متحد مشارکت بدین‌گونه تعریف شده است: « دخالت دادن و درگیر شدن مردم در فراگردهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی که بر سرنوشت آنان اثر می‌گذارند. در این تعریف، مشارکت نوعی از فراگرد پایین به بالا پنداشته می‌شود که بر گسترده شدن و پخش هرچه بیشتر اقتدار و بازگشودن فرصت‌های پیشرفت برای رده‌های زیرین جامعه تأکید دارد » (Alibeigi et al., 2009). مشارکت مردم در روند توسعه، نزد صاحب‌نظران چنان جایگاهی دارد که گاه توسعه را معادل مشارکت دانسته‌اند و یا مشارکت را وسیله و هدف توسعه ذکر کرده‌اند. مشارکت به مثابه واقعیتی اجتماعی و جوهره جوامع انسانی، به لحاظ تاریخی ریشه در زندگی اجتماعی انسان دارد و از فرایندهایی به شمار می‌آید که با گذشت زمان دگرگون شده و صورت‌های چندگانه‌ای به خود گرفته است (Taleb & Najafi Asl, 2010). توسعه پایدار روستایی عبارت است از مدیریت و حفظ منابع طبیعی موجود و جهت‌دهی به تغییرات فنی و نهادی به طریقی که دستیابی به نیازهای بشری و برآوردن مستمر این نیازها چه در حال حاضر و چه در آینده برای مردم روستا و شهر، تأمین شود. یک چنین توسعه پایدار، منابع ارضی و آبی و همچنین منابع ژنتیک گیاهی و حیوانی را حفظ می‌کند، موجب زوال محیط زیست نمی‌شود و از لحاظ فنی مناسب، از نظر اقتصادی ماندنی و از نظر اجتماعی معقول است (Abdollahi, 2005). توسعه پایدار روستایی یک فرایند بلند مدت است که نتیجه آن تأمین نیازمندی‌ها و رفاه برای روستاییان و ارتقاء سطح کیفیت زندگی و کاهش فقر می‌باشد که این توسعه نیاز به حفظ و نگهداری سرمایه‌های انسانی و اجتماعی که از گذشتگان به ما ارث رسیده دارد (Dashti et al., 2007). اهداف مهم توسعه پایدار روستایی به شرح زیر می‌باشند: مدیریت پایدار و متوازن بهره‌برداری از منابع طبیعی؛ ارتقای کیفیت زندگی و کاهش فقر؛ ارتقای بهره‌وری در کشاورزی؛ توسعه و ارتقاء سرمایه‌های انسانی در محیط انسانی؛ استحکام رشد کشاورزی؛ گسترش مشارکت

و معضلات بردارند و همواره متکی به خود باشند (Khaledi et al., 2009). مهمترین روش‌های مشارکتی زنان در توسعه پایدار روستایی عبارتند از: دسترسی زنان به اعتبارات کشاورزی؛ عضویت زنان در تعاونی‌ها؛ شرکت زنان در کلاس‌های آموزشی و توجیهی؛ دسترسی زنان به زمین کشاورزی؛ (Isavand, 2010).

#### پیشینه پژوهش

Achary et al. (1983)، به بررسی کارگری زنان در بازار کار و مقایسه آنان با زنان کارگر در خانه و بدون حقوق پرداختند. هدف تحقیق آنان بررسی نقش زنان در مدیریت مزرعه، منزل و منابع مهم تصمیم‌گیری بود. آنان دو گروه از زنان را با هم مقایسه کردند: زنان دارای مزد و بدون مزد. یافته‌ها نشان داد که آوردن زنان به اقتصاد بازار باعث تأثیر مثبت آنان در اختصاص منابع و افزایش نقش آنان در تصمیم‌گیری‌های خانگی می‌شود. Oakley (1991) به این نتایج دست یافت که بیشتر زنان جهان سوم، به دلیل حاکمیت فرهنگ مردسالار، برای مشارکت در فعالیت‌های توسعه پایدار با موانعی نیرومند مواجه‌اند و با وجود پیشرفت‌های دهه اخیر زنان روستایی با یک مانع اضافی به نام ارزش‌های فرهنگی نیز روبه‌رو شده‌اند، که نقش‌های نسبت داده شده به زنان را تأیید می‌کند و مشارکت‌شان را در فعالیت‌های اجتماعی جایز نمی‌داند. Mathur (1994) با بررسی میزان مشارکت زنان و مردان در بخش روستایی و شهری به این نتیجه رسیده است که فرزندان، میزان تحصیلات و میزان وظایف دست و پاگیر خانوادگی روی مشارکت آن‌ها در توسعه روستایی تأثیر می‌گذارند. نتایج مطالعه Kongolo et al., (2002) نشان می‌دهد که اگر چه زنان بخش عظیمی از جمعیت آفریقای جنوبی را تشکیل می‌دهند ولی همچنان در توسعه نادیده گرفته می‌شوند. این مطالعه نشان می‌دهد که کمبود اطلاعات، کمبود منابع و کمک دولت، کمبود آموزش و پرورش، ارزش‌های فرهنگی و تبعض در مقابل زنان روستایی، مهمترین فاکتورهایی هستند که به عدم مشارکت زنان روستایی در توسعه روستایی کمک می‌کند. Lee (2007)، در تحقیقات خود در کره جنوبی در زمینه میزان مشارکت زنان در برنامه‌های ترویج کشاورزی به این نتیجه دست یافت که ۲۵ درصد از زنان کشاورز در

جلسات ترویجی شرکت می‌کنند. اطلاعات موجود در خصوص برنامه‌های اصلاحات ارضی نشان می‌دهد که تعداد زنان و مالکین زن در بخش کشاورزی افزایش چندانی از خود نشان نداده‌است. عضویت در تعاونی‌ها برای زنان و مردان کشاورز آزاد است ولی موانع فرهنگی - اجتماعی همچنان برای مشارکت زنان محدودیت‌هایی ایجاد کرده است. Effati et al. (1997) به این نتیجه رسیدند که میزان مشارکت اجتماعی زنان در روستا (حدود ۵۰/۶ درصد) نشان می‌دهد که زنان روستایی مورد مطالعه، از لحاظ میزان مشارکت، در سطحی میانه قرار دارند و بیشترین فعالیت زنان روستایی مناطق مورد مطالعه بعد از خانه‌داری، فعالیت در زمینه‌های کشاورزی، صنایع دستی و قالی‌بافی بوده‌است. در این پژوهش، میان پایگاه اجتماعی زن، میزان آگاهی اجتماعی و میزان مشارکت وی در فعالیت‌های اجتماعی و نیز میان میزان سهم زن در تولید، همبستگی و رابطه معنی‌دار وجود دارد، اما بین میزان وابستگی زن به شوهر و شیوه تلقی شوهر از مسایل مذهبی و مشارکت زنان در فعالیت‌های اجتماعی رابطه معنی‌دار وجود ندارد. Reza'yi Ghaderi, (2004)، به این نتیجه رسیده است که بین متغیرهای سن با شاخص مشارکت اجتماعی - اقتصادی رابطه منفی (معکوس) معنی‌دار و نسبتاً قوی وجود دارد. یعنی هرچه سن پاسخگویان بیشتر باشد، میزان مشارکت آن‌ها کاهش می‌یابد. همچنین بین متغیر وضعیت تأهل و مشارکت اجتماعی - اقتصادی، نتایج به این صورت بوده‌است که زنان روستایی مجرد، میزان مشارکت اجتماعی و اقتصادی بیشتری نسبت به افراد متأهل دارند، پس از آن مطلقه‌ها سهم بیشتری را دارا هستند و افراد بیوه هم کمتر از بقیه هستند. Vosoooghi & Aghabin (2005) در پژوهشی جامعه‌شناختی در زمینه مشارکت اجتماعی زنان روستایی آگکند شهرستان میانه، به این نتیجه رسیدند که مشارکت زنان، ضعف آموزش و پایین بودن سطح عمومی تحصیلات، فقر اقتصادی خانوارها، ضعف خودباوری و تمایل به پیشرفت در میان زنان، محدودیت‌های ارتباطی و محدودیت دسترسی به رسانه‌ها و تقسیم کار جنسیتی از جمله عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر میزان مشارکت

حمایت‌های لازم از سوی سازمان‌های حمایتی را از عوامل تسهیل‌کننده تواناسازی زنان روستایی برشمرده است. وی در تحقیق خود به این نتیجه دست یافت که با بالا رفتن باورهای فرهنگی مرتبط با جنسیت (در رابطه با متابعت زن از مرد) فرهنگ مشارکتی زنان کاهش می‌یابد. Ali'abadi & Bahrami (2009) تأکید کرده‌اند که در مباحث پیرامون توسعه پایدار روستایی، زنان روستایی از دید برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران به عنوان یکی از گروه‌های هدف مدنظر بوده و توانمندسازی آنان و ایجاد زمینه جهت جلب مشارکت آن‌ها به عنوان بخش عظیمی از نیروهای انسانی ساکن روستاها از رئوس برنامه‌های موردنظر سازمان‌های توسعه در کشورهای مختلف می‌باشد.

مطالعات انجام شده مرتبط با زنان روستایی همگی حکایت از نقش ارزنده زنان در روند توسعه پایدار دارد. زنان اعم از روستایی و عشایری به تقریب تمام فعالیت‌های مربوط به اداره منزل، تربیت و نگهداری فرزندان، تهیه و تبدیل مواد غذایی را به عهده دارند. همچنین زنان روستایی و عشایری در بسیاری از مناطق دنیا نقش قابل‌ملاحظه‌ای در فعالیت‌های کشاورزی و تولید صنایع دستی دارند به هر حال جدی نگرفتن زنان در عرصه فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، به هیچ وجه قابل‌جبران نخواهد بود. بنابراین توجه به مسایل زنان روستایی و سرمایه‌گذاری در جهت بهبود وضعیت آنان به لحاظ این که این بهبود به طور مستقیم به نسل‌های بعدی منتقل می‌شود نقش مؤثر و سریع در تحقق توسعه پایدار دارد.

### مواد و روش‌ها

این مطالعه در محدوده نواحی روستایی شهرستان شوش در شمال استان خوزستان انجام شده است. شغل بیشتر مردم شهرستان شوش کشاورزی است. محصول عمده این شهرستان گندم، جو، کنجد و حبوبات می‌باشد. دامداری پس از کشاورزی اصلی‌ترین شغل مردم ناحیه بوده و انواع فرآورده‌های دامی و لبنی از تولیدات این بخش محسوب می‌گردد. پس از مشورت با کارشناس زنان روستایی اهواز، شهرستان شوش و همچنین پس از مشورت با کارشناس زنان روستایی

اجتماعی زنان محسوب می‌شود. Noori & Ghaffari (2006) اظهار داشتند که ارتقاء سطح تحصیلات و برگزاری دوره‌های آموزشی-ترویجی، کنترل و حتی تملک زنان روستایی بر منابع و عوامل تولید از طریق راهکارهایی چون عرضه تسهیلات بانکی ارزان قیمت، ایجاد و گسترش تعاونی‌های تولید و تشکل‌های غیردولتی زنان از جمله پیشنهادهایی است که در فرایند توسعه پایدار مؤثر واقع می‌شوند. Khani (2006) در مطالعه‌ای با عنوان توسعه روستایی و چالش‌های اشتغال زنان مطالعه موردی استان گیلان، در خانواده‌های پردرآمد، زنان درگیری کمتری در فعالیت‌های زراعت، دامداری و پرورش طیور دارند و بدین منظور، بیشتر از کارگران مزدبگیر استفاده می‌شود، اما در عین حال، زنان این خانواده‌ها از طریق تهیه غذا برای کارگران و انجام خدمات پشتیبانی در زمینه تولید اقتصادی مشارکت می‌کنند. با این همه، به لحاظ اختلاط وظایف خانه و مزرعه، تفکیک این امور به سادگی امکان‌پذیر نیست و به طور عمده، این گونه وظایف پشتیبانی جزو اشتغال‌های اقتصادی محسوب نمی‌شود. همچنین، بر اساس نتایج این تحقیق، با افزایش مالکیت اراضی و به عبارتی، با بهبود وضع اقتصادی خانوار که تابعی از مقدار زمین کشاورزی است، از میزان اشتغال زنان در فعالیت‌های کشاورزی کاسته می‌شود. Safari-shali (2008) صفری‌شالی به بررسی عوامل فرهنگی و اجتماعی مرتبط با میزان مشارکت زنان روستایی در امور خانوادگی و اجتماعی پرداخته‌است. یافته‌ها نشان داد که ۲۱ درصد از زنان در مسایل و امور خانوادگی و فراخانوادگی مشارکت کم و یا پایین داشته و در حدود ۲۵ درصد میزان مشارکت بالا و حدود ۵۳ درصد از زنان میزان مشارکت متوسطی داشته‌اند. وی با استفاده از تحلیل مسیر نشان داد که پایگاه اقتصادی و اجتماعی زنان از جمله متغیرهای کلیدی است که می‌تواند بر میزان مشارکت آن‌ها در دو بعد فرهنگ مشارکتی و رفتار مشارکتی تأثیر قابل‌ملاحظه‌ای داشته‌باشد، یعنی با بالا رفتن پایگاه اقتصادی و اجتماعی زنان روستایی میزان مشارکت آن‌ها به طور فزاینده‌ای بالا می‌رود. وی همچنین نشان داد که مواردی چون آموزش مهارت‌زاه، کسب اعتماد به نفس، ایجاد علاقه و اشتیاق، و نیز وجود

از روستاهای نمونه در حوزه مشارکت زنان می‌باشند و از آن‌جا که انجام این مطالعه نیاز به افرادی داشت که تجربه کافی در امر مشارکت داشته باشند، به عنوان روستاهای هدف مطالعه انتخاب شدند. حجم نمونه آماری با استفاده از جدول کرجی و مورگان ۳۵۰ نفر برآورد گردیده و روش نمونه‌گیری طبقه‌ای با انتساب متناسب بوده‌است. ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه بوده که روایی آن با بهره‌گیری از نظر مسئولان اجرایی زنان روستایی، تسهیلگران زنان روستایی و متخصصان (اعضای هیئت علمی گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان) و پایایی آن پس از انجام مطالعه پیش‌آزمایش و با استفاده از آماره آلفای کرونباخ برای هر یک از گویه‌های زمینه اقتصادی مشارکت و موانع مشارکت به ترتیب (۰/۹۳ و ۰/۸۹) تأیید شد. که نشان دهنده مناسب بودن ابزار پژوهش می‌باشد.

جدول ۱- وضعیت توزیع نمونه‌گیری در دهستان مورد مطالعه

نام روستا	جمعیت زنان	تعداد نمونه
مالک اشتر	۹۰۰ نفر	۹۰ نفر
سیدعبدالله	۲۳۱ نفر	۲۳ نفر
بنادر	۱۲۴ نفر	۱۲ نفر
خویس	۱۸۰۰ نفر	۱۷۹ نفر
الجزایر	۲۶۰ نفر	۲۶ نفر
عین	۲۱۰ نفر	۲۰ نفر
جمع	۳۵۲۵ نفر	۳۵۰ نفر

## یافته‌ها

### آمار توصیفی

جامعه مورد مطالعه در پنج گروه سنی مختلف طبقه‌بندی شدند. جوان‌ترین فرد مورد مطالعه ۱۵ و مسن‌ترین فرد ۶۵ ساله بوده‌است. میانگین سنی زنان مورد مطالعه ۳۰ سال بوده و بیشترین تعداد نمونه در گروه سنی ۱۵-۲۴ جای دارند (۳۶ درصد از کل جمعیت و ۱۲۶ نفر از ۳۵۰ نفر کل نمونه آماری). و کمترین تعداد نمونه در گروه سنی بالاتر از ۵۱ سال جای دارد (۴/۶ درصد از کل جمعیت و ۱۶ نفر از ۳۵۰ نفر کل نمونه آماری). از تعداد ۳۵۰ نفر افراد مورد

شهرستان شوش، دهستان شاور از شهرستان شوش به دلیل نزدیکی به شهر (شهرهای عبدالخان و شوش) و همچنین به دلیل این‌که زنان روستایی این دهستان در زمینه کارهای مشارکتی مانند صندوق‌های اعتباری خرد زنان فعال‌تر از دهستان‌های دیگر شهرستان شوش بودند، جهت مطالعه انتخاب شدند. در این تحقیق به مطالعه مشارکت زنان در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی- فرهنگی توسعه پایدار پرداخته شد. زمینه‌های اقتصادی مشارکت شامل سه قسمت زراعی (آماده کردن زمین، برداشت، فعالیت‌های پس از برداشت، ذخیره محصولات، بازاریابی و فروش محصولات، تولید سبزی و صیفی)، دامپروری (تهیه لبنیات و فرآورده‌های دامی، شیردوشی، تولید فرآورده‌های گوشتی، پرواربندی گوسفند و گوساله، نگهداری از طیور) و صنایع دستی (کپوبافی، حصیربافی، گلدوزی، گلیم‌بافی، خیاطی، گلسازی) می‌باشد و زمینه‌های اجتماعی- فرهنگی شامل کمک به برگزاری شب‌های قدر و محرم، کمک به برگزاری جشن‌ها و اعیاد، همکاری با سایر زنان در نظافت و تمیز نگهداشتن محیط روستا، انتقال ارزش‌های فرهنگی به کودکان، همکاری با کانون فرهنگی مسجد روستا، پرداخت بخشی از درآمد برای انجام امور خیریه (عام‌المنفعه)، کمک به ساختن مساجد و حسینیه‌ها، همکاری با شورای اسلامی روستا، همکاری با دهیاری روستا، گرفتن زکات از توانمندان هنگام برداشت محصول می‌باشد. روش پژوهش حاضر از لحاظ هدف کاربردی، از نوع میدانی و از لحاظ گردآوری داده‌ها و قابلیت تعمیم از نوع پژوهش‌های توصیفی - همبستگی می‌باشد. از بین روش‌های پژوهشی توصیفی نیز، این پژوهش از روش پیمایشی استفاده نموده‌است. جامعه آماری این تحقیق را زنان روستایی ۱۵-۶۵ سال شش روستای دهستان شاور شهرستان شوش (۳۵۲۵ نفر) تشکیل می‌دهند. عامل تفکیک طبقات روستاها و جمعیت متفاوت روستاها بوده‌است. از آنجا که روستاها از لحاظ جمعیتی و نیز ویژگی‌های اجتماعی فرهنگی با هم متفاوت بوده‌اند در نمونه‌گیری از روش طبقه‌ای با انتساب متناسب استفاده شده‌است. شش روستای مذکور نظر به سابقه و حجم فعالیت‌های آموزشی و ترویجی و میزان استقبال زنان روستایی از این برنامه‌ها

اولویت‌بندی زمینه‌های اقتصادی مشارکت زنان روستایی در توسعه پایدار روستایی از آنان خواسته شد به سؤالاتی که بدین منظور طراحی شده‌است، پاسخ دهند. از آنجا که سؤالات به صورت طیف «خیلی زیاد تا هیچ» پرسیده شد، جهت اولویت‌بندی از میانگین رتبه‌ای استفاده کرده و همان‌طور که جدول شماره سه نشان می‌دهد زنان روستایی بیشترین مشارکت را در کپوبافی (اولویت ۱)، حصیربافی (اولویت ۲) و گلدوزی (اولویت ۳) و کمترین مشارکت را در بازاریابی و فروش محصولات (اولویت ۱۸)، تولید فرآورده‌های گوشتی (اولویت ۱۷) و آماده کردن زمین (اولویت ۱۶) دارند.

مطالعه، ۱۷۲ نفر (۴۹/۱ درصد) مجرد و ۱۷۸ نفر (۵۰/۹ درصد) متأهل بودند، بیشترین فراوانی را زنان روستایی با تحصیلات در حد ابتدایی و کمترین فراوانی را زنان روستایی با تحصیلات بالاتر از دیپلم دارند. اولویت‌بندی زمینه‌های اقتصادی مشارکت زنان روستایی در توسعه پایدار روستایی

منظور از زمینه‌های اقتصادی مجموعه فعالیت‌های اقتصادی است که در هر قالبی می‌تواند پایداری اقتصاد و درآمد خانوار روستایی را افزایش داده و در ضمن تهدیدکننده پایداری سایر جنبه‌های مرتبط با توسعه پایدار نباشد (برادران، ۱۳۶۹). در این مطالعه به منظور

جدول ۲- اولویت‌بندی زمینه‌های اقتصادی مشارکت زنان روستایی مرتبط با توسعه پایدار روستایی

اولویت	میانگین رتبه	میزان مشارکت (فراوانی)					زمینه‌های اقتصادی	
		هیچ (۰)	خیلی کم (۱)	کم (۲)	متوسط (۳)	زیاد (۴)		خیلی زیاد (۵)
۱	۳/۴۷	۴۱	۱۶	۱۰	۶۸	۷۷	۱۲۳	کپوبافی
۲	۳/۴۵	۵۵	۱۳	۱۴	۱۷	۱۲۰	۱۲۰	حصیربافی
۳	۳/۴۳	۵	۳۰	۳۰	۹۲	۱۰۷	۷۳	گلدوزی
۴	۳/۳۹	۲۵	۲۰	۲۹	۶۷	۱۰۵	۸۴	گلیم‌بافی
۵	۳/۰۴	۲۳	۳۹	۴۴	۹۳	۷۶	۶۵	خیاطی
۶	۲/۶۹	۸۳	۲۳	۱۶	۷۵	۵۵	۷۸	نگهداری از طیور
۷	۲/۵۶	۱۰۰	۲۳	۱۵	۵۸	۶۰	۷۸	برداشت
۸	۲/۵۴	۱۰۱	۳۳	۱۴	۴۴	۵۱	۹۰	شیردوشی
۹	۲/۵۱	۶۶	۳۹	۳۹	۸۱	۶۵	۴۴	گلسازی
۱۰	۲/۳۶	۱۰۱	۳۱	۲۲	۶۵	۴۶	۶۵	بهداشت آغل و اصطبل
۱۱	۲/۳۲	۱۰۶	۳۶	۱۷	۶۵	۳۶	۷۳	تهیه لبنیات و فرآورده‌های دامی
۱۲	۲/۱۴	۱۱۲	۲۴	۲۲	۷۶	۴۸	۴۱	فعالیت‌های پس از برداشت
۱۳	۲/۰۶	۱۱۸	۲۸	۲۶	۶۹	۵۵	۳۶	تولید سبزی و صیفی
۱۴	۱/۸۳	۱۲۰	۴۲	۴۰	۵۳	۴۶	۲۸	پروراندن گوسفند و گوساله
۱۵	۱/۶۹	۱۳۳	۳۷	۴۴	۴۹	۳۳	۳۰	ذخیره محصولات
۱۶	۱/۶۸	۱۵۳	۳۶	۲۶	۴۰	۴۰	۳۹	آماده کردن زمین
۱۷	۱/۲۸	۱۶۵	۴۶	۲۹	۵۲	۲۵	۱۳	تولید فرآورده‌های گوشتی
۱۸	۱/۳۲	۱۸۵	۳۵	۲۰	۳۶	۲۹	۲۹	بازاریابی و فروش محصولات

اجتماعی- فرهنگ مشارکت زنان روستایی در توسعه پایدار روستایی و با توجه به این که سؤالات پرسیده شده دارای مقیاس نسبی بوده‌اند، به این صورت که از زنان روستایی مورد مطالعه خواسته شد میزان مشارکت خود را در هر یک از زمینه‌ها از ۰ تا ۱۰ مشخص کنند، سپس برای هر گویه میانگین و انحراف معیار سنجیده شده، و از تقسیم انحراف معیار بر میانگین، ضریب تغییرات برای هر یک از گویه‌ها تعیین شده‌است و بر اساس آن زمینه‌های اجتماعی- فرهنگی مشارکت

### اولویت‌بندی زمینه‌های اجتماعی- فرهنگی مشارکت زنان روستایی در توسعه پایدار روستایی

منظور محققان از زمینه‌های اجتماعی- فرهنگی در این مطالعه مجموعه فعالیت‌هایی بوده است که هدف زنان روستایی از شرکت در آنها انتفاعی و اقتصادی نبوده است بلکه با هدف حفظ و بهبود جنبه‌های اجتماعی- فرهنگی جامعه از جمله تقویت سرمایه اجتماعی و غیره انجام شده‌اند.

در این مطالعه به منظور اولویت‌بندی زمینه‌های

سه اولویت اول و همکاری با شورای اسلامی روستا، همکاری با دهیاری روستا و گرفتن زکات از توانمندان هنگام برداشت محصول سه اولویت آخر مشارکت زنان روستایی در زمینه‌های اجتماعی- فرهنگی را تشکیل می‌دهند.

زنان روستایی در توسعه پایدار روستایی اولویت‌بندی شدند. با توجه به جدول شماره چهار مشخص می‌شود که کمک به برگزاری شب‌های قدر و محرم، کمک به برگزاری جشن‌ها و اعیاد و همکاری با سایر زنان در نظافت و تمیز نگهداشتن محیط روستا به ترتیب

جدول ۳- اولویت‌بندی زمینه‌های اجتماعی- فرهنگی مشارکت زنان روستایی مرتبط با توسعه پایدار روستایی

اولویت	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین	زمینه‌های اجتماعی- فرهنگی
۱	۰/۳۵	۲/۷۶	۷/۷۷	کمک به برگزاری شب‌های قدر و محرم
۲	۰/۴۰	۲/۹۶	۷/۲۶	کمک به برگزاری جشن‌ها و اعیاد
۳	۰/۵۵	۳/۲۶	۵/۸۶	همکاری با سایر زنان در نظافت و تمیز نگهداشتن محیط روستا
۴	۰/۵۷	۳/۷۰	۶/۳۸	انتقال ارزش‌های فرهنگی به کودکان
۵	۰/۶۱	۳/۳۶	۵/۴۹	همکاری با کانون فرهنگی مسجد روستا
۶	۰/۶۷	۳/۳۴	۴/۹۳	پرداخت بخشی از درآمد برای انجام امور خیریه (عام‌المنفعه)
۷	۰/۶۹	۳/۵۲	۵/۰۹	کمک به ساختن مساجد و حسینیه‌ها
۸	۰/۷۰	۳/۵۰	۴/۹۳	همکاری با شورای اسلامی روستا
۹	۰/۷۳	۳/۶۶	۵/۰۱	همکاری با دهیاری روستا
۱۰	۰/۹۲	۳/۵۹	۳/۹۰	گرفتن زکات از توانمندان هنگام برداشت محصول

مشارکت زنان روستایی به ترتیب کاشت نهال، تولید نهال و هرس درختان نسبت به دیگر فعالیت‌ها بیشتر می‌باشد.

اولویت‌بندی زمینه‌های زیست محیطی مشارکت زنان روستایی مرتبط با توسعه پایدار روستایی با توجه به جدول (۴) مشخص می‌شود که میزان

جدول ۴- اولویت بندی زمینه های زیست محیطی مشارکت زنان روستایی مرتبط با توسعه پایدار روستایی

اولویت	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین	فعالیت
۱	۰/۵۴	۳/۷۳	۶/۸۴	کاشت نهال
۲	۰/۵۵	۳/۶۵	۶/۵۳	تولید نهال
۳	۰/۵۸	۳/۵۴	۶/۰۴	هرس درختان
۴	۰/۶۹	۳/۸۱	۵/۴۷	بذر پاشی در زمین‌های زراعی
۵	۰/۷۰	۳/۸۵	۵/۴۸	جمع‌آوری بذر از زمین‌های زراعی
۶	۰/۷۱	۳/۸۸	۵/۴۱	شرکت در کلاس‌های آموزشی در زمینه بیابان‌زدایی

می‌کنند مشارکت زنان در توسعه پایدار روستایی در چند سال اخیر کاهش یافته، افزایش یافته و یا تفاوتی نکرده‌است؟ توزیع پاسخ‌ها نشان داد که شش نفر (۱/۷ درصد) بیان کرده‌اند که مشارکت زنان روستایی در توسعه پایدار روستایی در چند سال اخیر کاهش یافته، ۷۴ نفر (۲۱/۱ درصد) بیان کرده‌اند که تفاوتی نکرده و ۲۶۲ نفر (۷۴/۹ درصد) بیان کردند افزایش یافته است.

روند مشارکت زنان روستایی در توسعه پایدار روستایی در چند سال اخیر

جدول‌های دو تا چهار (یافته‌های فوق) نشان دهنده مشارکت زنان روستایی در حال حاضر می‌باشند از این رو جهت مشخص شدن روند مشارکت زنان روستایی در توسعه پایدار در چند سال اخیر از ۳۵۰ نفر افراد مورد مطالعه پرسیده شد که در مجموع تصور



جهت اولویت‌بندی موانع مشارکت زنان روستایی در توسعه پایدار روستایی از میانگین رتبه‌ای استفاده کرده و بیشترین میانگین اولویت اول و کمترین میانگین اولویت آخر را به خود اختصاص داد. همان‌طور که جدول شماره شش نشان می‌دهد بیمه نبودن زنان روستایی، عدم امکان رشد تحصیلی بر اساس استعدادها، پایین بودن سطح سواد زنان بیشترین موانع مشارکت افراد مورد مطالعه را تشکیل می‌دهند و سوء‌تغذیه و پایین بودن ضریب سلامت و بهداشت فردی، مهاجرت فصلی مردان و افزایش کار زنان، تعداد زیاد فرزندان و بیماری و ضعف جسمانی کمترین موانع مشارکت را تشکیل می‌دهند.

جدول ۵- توزیع فراوانی روند مشارکت زنان روستایی در

توسعه پایدار روستایی در چند سال اخیر			
مشارکت زنان روستایی در توسعه پایدار فراوانی	درصد	درصد	تجمعی
کاهش یافته	۶	۱/۷	۱/۸
تفاوتی نکرده	۷۴	۲۱/۱	۲۱/۶
افزایش یافته	۲۶۲	۷۴/۹	۷۶/۶
بی‌پاسخ	۸	۲/۳	۱۰۰
جمع	۳۵۰	۱۰۰	

### اولویت‌بندی موانع مشارکت زنان روستایی در توسعه پایدار روستایی

جدول ۶- اولویت‌بندی موانع مشارکت زنان روستایی در توسعه پایدار روستایی

اولویت	میانگین رتبه‌ای	موانع مشارکت
۱	۳/۹۵	بیمه نبودن زنان روستایی
۲	۳/۸۹	عدم امکان رشد تحصیلی بر اساس استعدادها
۳	۳/۸۰	پایین بودن سطح سواد زنان
۴	۳/۷۷	دسترسی محدود به آموزش عمومی
۵	۳/۶۶	کمبود اطلاعات، دانش و مهارت تخصصی
۶	۳/۵۴	تصور این که مردان نان‌آور و سرپرست خانوار هستند
۷	۳/۵۳	تعصبات نسبت به زن و عدم اجازه حضور وی در اجتماع
۸	۳/۵۲	عدم طراحی برنامه‌ها به گونه‌ای متناسب با نیاز زنان
۹	۳/۵۱	پایین بودن میزان دستمزد زنان روستایی در مقایسه با مردان
۱۰	۳/۵۰	نگرش منفی مردان نسبت به توانمندی زنان
۱۱	۳/۴۵	دسترسی کم به خدمات آموزشی و ترویجی
۱۲	۳/۴۱	عدم آگاهی نسبت به نحوه برخورد با دختران و زنان
۱۳	۳/۳۸	عدم استقلال مالی زنان
۱۳	۳/۳۸	عدم اعتماد به نفس
۱۴	۳/۳۵	حجم زیاد فعالیت‌های داخل خانه و مزرعه
۱۵	۳/۳۴	کمبود مروجان زن
۱۶	۳/۳۳	آداب و سنن غلط نظیر خرافات، تقدیر گرای و غیره
۱۷	۳/۳۱	ساخت خانواده و نظام پدرسالاری حاکم
۱۸	۳/۲۷	ندادن وام به زنان روستایی
۱۹	۳/۱۹	عدم همکاری شوراها
۲۰	۳/۰۴	فقر و تهیدستی
۲۱	۳/۰۲	صرف وقت زیاد برای مراقبت و نگهداری از فرزندان به‌ویژه کودکان خردسال
۲۲	۲/۸۷	تعداد زیاد فرزندان
۲۲	۲/۸۷	بیماری و ضعف جسمانی
۲۳	۲/۶۲	مهاجرت فصلی مردان و افزایش کار زنان
۲۴	۲/۴۶	سوء تغذیه و پایین بودن ضریب سلامت و بهداشت فردی

### اولویت‌بندی نیازهای آموزشی زنان روستایی جهت مشارکت در توسعه پایدار روستایی

در این مطالعه به منظور اولویت‌بندی نیازهای آموزشی زنان روستایی جهت مشارکت در توسعه پایدار روستایی و با توجه به این‌که سؤالات پرسیده شده دارای مقیاس نسبی بوده‌اند، ابتدا برای هر گویه میانگین و انحراف معیار سنجیده شده، سپس از تقسیم انحراف معیار

بر میانگین ضریب‌تغییرات برای هریک از گویه‌ها تعیین شده‌است و بر این اساس نیازهای آموزشی زنان روستایی جهت مشارکت در توسعه پایدار روستایی اولویت‌بندی شدند. با توجه به جدول (۷) مشخص می‌شود که زنان روستایی بیشترین نیاز آموزشی را در خیاطی، گلسازی و گلیم‌بافی و کمترین نیاز آموزشی را در بهداشت آغل و اصطبل، شیردوشی و فعالیت‌های پس از برداشت دارند.

جدول ۷- اولویت‌بندی نیازهای آموزشی زنان روستایی جهت مشارکت در توسعه پایدار روستایی

اولویت	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین	نیاز آموزشی
۱	۰/۳۵	۲/۸۱	۷/۹۷	خیاطی
۲	۰/۳۸	۳/۰۰	۷/۷۰	گلسازی
۳	۰/۴۰	۳/۰۴	۷/۵۷	گلدوزی
۴	۰/۴۲	۳/۲۸	۷/۶۳	حصیربافی
۵	۰/۴۴	۳/۲۷	۷/۳۶	کپوبافی
۶	۰/۴۵	۳/۲۶	۷/۲۴	بهداشت فردی و خانوادگی
۷	۰/۴۶	۳/۲۸	۷/۰۸	نحوه به‌کارگیری ماشین‌آلات و ابزار جدید
۸	۰/۴۸	۳/۳۵	۶/۹۴	تغذیه
۹	۰/۵۰	۳/۳۴	۶/۶۲	آماده کردن زمین
۱۰	۰/۵۱	۳/۲۰	۶/۲۰	کاشت
۱۰	۰/۵۰	۳/۳۱	۶/۶۱	تولید سبزی و صیفی
۱۰	۰/۵۰	۳/۴۰	۶/۷۱	تهیه لبنیات و فرآورده‌های دامی
۱۰	۰/۵۰	۳/۳۴	۶/۶۵	نگهداری از طیور
۱۱	۰/۵۲	۳/۱۸	۶/۰۸	ذخیره محصولات
۱۲	۰/۵۳	۳/۰۸	۵/۷۸	فعالیت‌های پس از برداشت
۱۳	۰/۵۴	۳/۴۱	۶/۲۷	بهداشت آغل و اصطبل
۱۳	۰/۵۴	۳/۷۲	۶/۱۹	شیردوشی

### کلاس‌های آموزشی ترویج، کار به عنوان کارگر روزمزد و وضعیت تأهل

جدول ۸- اولویت‌بندی سایر نیازهای آموزشی زنان روستایی جهت مشارکت در توسعه پایدار روستایی

اولویت	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین	سایر نیازهای آموزشی
۱	۰/۴۵	۳/۲۶	۷/۲۴	استفاده از رایانه و اینترنت
۲	۰/۴۶	۳/۲۸	۷/۰۸	بهداشت فردی و خانوادگی
۳	۰/۴۸	۳/۳۵	۶/۹۴	تغذیه
۴	۰/۵۵	۳/۸۰	۶/۸۸	نحوه به‌کارگیری ماشین‌آلات و ابزار جدید

### اولویت‌بندی سایر نیازهای آموزشی زنان روستایی جهت مشارکت در توسعه پایدار روستایی

با توجه به جدول (۸) مشخص می‌شود که افراد مورد مطالعه بیشترین نیاز آموزشی را در استفاده از رایانه و اینترنت، بهداشت فردی و خانوادگی، تغذیه و نحوه به‌کارگیری ماشین‌آلات و ابزار جدید احساس می‌کردند.

### آمار استنباطی

#### آزمون‌های مقایسه‌ای

مقایسه میانگین توانایی زنان روستایی جهت مشارکت در توسعه پایدار روستایی بر حسب شرکت در

جدول ۹- مقایسه میانگین توانایی زنان روستایی جهت مشارکت در توسعه پایدار روستایی بر حسب شرکت در کلاس‌های آموزشی ترویج، کار به عنوان کارگر روزمزد و وضعیت تأهل

شرکت در کلاس آموزشی ترویج			کارگر روزمزد			تأهل		
متغیر	میانگین شرکت	میانگین عدم شرکت	آماره t	میانگین کارگر روزمزد	میانگین غیر کارگر روزمزد	آماره t	میانگین مجرد	میانگین متأهل
زمینه اجتماعی- فرهنگی	۵۵/۱۵	۵۴/۴۶	۰/۲۶۸	۴۶/۶۲	۵۵/۹۷	۲/۰۰۵*	۵۳/۹۱	۵۶/۵۲
زمینه زراعی	۱۴/۷۶	۱۶/۶۰	۱/۳۸	۱۹/۴۶	۱۵/۱۹	۱/۷۷	۱۳/۷۸	۱۷/۴۷
زمینه دامپروری	۱۲/۵۱	۱۳/۲۹	۰/۸۱۷	۱۶/۰۷	۱۲/۵۶	۲/۰۶*	۱۲/۶۶	۱۳/۱۲
زمینه صنایع دستی	۱۸/۴۷	۱۸/۷۹	۰/۵۷۲	۱۹/۶۸	۱۸/۶۲	۱/۱۰	۱۹/۱۵	۱۸/۲۴

\*\*\*: معنی داری در سطح ۱ درصد

\*\*\*: معنی داری در سطح ۵ درصد

سطح ۵ درصد وجود دارد. در سایر موارد تفاوت معنی دار وجود ندارد.

#### آزمون‌های همبستگی

به منظور سنجش رابطه بین سن، سطح تحصیلات، شرکت در فعالیتهای آموزشی، وضعیت تأهل، شرکت در کلاس‌های آموزشی ترویج، کار به عنوان کارگر روزمزد، بعد خانوار و میزان مشارکت در زمینه اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی و فعالیتهای زیست محیطی از آزمون‌های همبستگی استفاده شد که نتایج آن در جدول (۸) آمده است:

نتایج حاصل از جدول نه نشان می‌دهند که بین توانایی زنان روستایی جهت مشارکت در زمینه اجتماعی- فرهنگی توسعه پایدار روستایی بر اساس کار به عنوان کارگر روزمزد تفاوت معنی دار در سطح ۵ درصد وجود دارد، بین توانایی زنان روستایی جهت مشارکت در زمینه زراعی توسعه پایدار روستایی بر حسب وضعیت تأهل آن‌ها تفاوت معنی دار در سطح ۱ درصد وجود دارد و بین توانایی زنان روستایی جهت مشارکت در زمینه دامپروری توسعه پایدار روستایی بر اساس کار به عنوان کارگر روزمزد تفاوت معنی دار در

جدول ۱۰- بررسی ارتباط برخی ویژگی‌های فردی و اجتماعی زنان با میزان مشارکت آنان در فعالیتهای اقتصادی، اجتماعی -

#### فرهنگی و زیست محیطی

متغیر	اقتصادی			اجتماعی- فرهنگی			زیست محیطی		
	آزمون	ضریب	سطح معنی داری	آزمون	ضریب	سطح معنی داری	آزمون	ضریب	سطح معنی داری
سن	پیرسون	۰/۲۶۰**	۰/۰۰۰	پیرسون	۰/۰۳۷	۰/۴۹۱	پیرسون	۰/۰۴۷	۰/۳۸۷
تحصیلات	اسپیرمن	۰/۲۴۸**	۰/۰۰۰	اسپیرمن	۰/۰۲۸	۰/۶۱۳	اسپیرمن	۰/۰۶۷	۰/۲۳۷
شرکت در فعالیتهای آموزشی	اسپیرمن	۰/۰۰۸	۰/۸۸۳	اسپیرمن	۰/۰۷۴	۰/۱۷۰	اسپیرمن	۰/۰۶۵	۰/۲۳۰
موانع مشارکت	پیرسون	۰/۰۰۸	۰/۸۸۶	پیرسون	۰/۰۹۶	۰/۰۷۲	پیرسون	۰/۰۰۴	۰/۹۳۷
بعد خانوار	پیرسون	۰/۲۶۱**	۰/۰۰۰	پیرسون	۰/۰۶۴	۰/۳۸۷	پیرسون	۰/۰۲۰	۰/۷۸۱
وضعیت تأهل	اسپیرمن	۰/۶۷۰	۰/۲۱۰	اسپیرمن	۰/۰۵۵	۰/۳۰۸	اسپیرمن	۰/۰۰۳	۰/۹۶۲
شرکت در کلاس‌های آموزشی ترویج	اسپیرمن	۰/۷۳۰	۰/۱۸۰	اسپیرمن	۰/۰۱۳	۰/۸۱۷	اسپیرمن	۰/۱۶۴**	۰/۰۰۲
کار به عنوان کارگر روزمزد	اسپیرمن	۰/۱۲۲	۰/۰۶۸	اسپیرمن	۰/۱۰۳	۰/۰۶۰	اسپیرمن	۰/۱۰۱	۰/۰۶۴

\*\*\*: معنی داری در سطح ۱ درصد

\*\*\*: معنی داری در سطح ۵ درصد

وجود دارد و بین سطح تحصیلات زنان روستایی و میزان مشارکت آن‌ها در فعالیتهای اقتصادی رابطه منفی و معنی دار در سطح ۱ درصد خطا وجود دارد. همچنین

نتایج حاصل از جدول (۱۰) نشان می‌دهند که بین سن و بعد خانوار و میزان مشارکت در فعالیتهای اقتصادی رابطه مثبت و معنی دار در سطح ۱ درصد خطا

بوده‌اند، یکی از دلایل این امر نقش آفرینی بیشتر زنان باسواد در فعالیتهای غیرکشاورزی و بعضاً خارج از روستاست ضمن این که این دسته از زنان بیشتر در فعالیتهای اجتماعی و فرهنگی مشارکت دارند. این نتیجه با نتایج Noori & Ghaffari (2006) مغایرت دارد.

بین میزان مشارکت زنان روستایی در فعالیتهای زیست محیطی توسعه پایدار روستایی و شرکت در کلاسهای آموزشی ترویج رابطه مثبت و معنی‌دار در سطح ۱ درصد خطا وجود دارد. با افزایش شرکت زنان روستایی در کلاسهای آموزشی ترویج، مشارکت آنها در فعالیتهای زیست محیطی توسعه پایدار روستایی نیز افزایش می‌یابد. نتایج حاصل از اولویت‌بندی نشان داد که زنان روستایی بیشترین مشارکت را در صنایع دستی (اولویت ۱)، حصیربافی (اولویت ۲) و گلدوزی (اولویت ۳) دارند که این نتایج با یافته‌های Effati et al. (1997) مطابقت دارد و زنان روستایی کمترین مشارکت را در بازاریابی و فروش محصولات (اولویت ۱۹)، تولید فرآورده‌های گوشتی (اولویت ۱۸) و آماده کردن زمین (اولویت ۱۷) دارند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که کمک به برگزاری شبهای قدر و محرم، کمک به برگزاری جشن‌ها و اعیاد و همکاری با سایر زنان در نظافت و تمیز نگهداشتن محیط روستا به ترتیب سه اولویت اول و همکاری با شورای اسلامی روستا، همکاری با دهیاری روستا و گرفتن زکات از توانمندان هنگام برداشت محصول سه اولویت آخر مشارکت زنان روستایی در زمینه‌های اجتماعی- فرهنگی را تشکیل می‌دهند. بیمه نبودن زنان روستایی، عدم امکان رشد تحصیلی بر اساس استعدادها، پایین بودن سطح سواد زنان بیشترین موانع مشارکت افراد مورد مطالعه را تشکیل می‌دهند و سوءتغذیه و پایین بودن ضریب سلامت و بهداشت فردی، مهاجرت فصلی مردان و افزایش کار زنان، تعداد زیاد فرزندان و بیماری و ضعف جسمانی کمترین موانع مشارکت را تشکیل می‌دهند. این نتایج با نتایج Oakley (1991) و Kongolo et al. (2002) مغایرت دارد.

جمع‌بندی کلی بیان‌گر آن است که زنان در فعالیتهای تولیدی مرتبط با صنایع دستی (کپوبافی و غیره) در مقایسه با سایر فعالیتهای مشارکت بیشتری دارند که عمده‌ترین دلیل آن می‌تواند امکان انجام این

نتایج نشان می‌دهند بین میزان مشارکت زنان در فعالیتهای زیست محیطی و شرکت در کلاسهای آموزشی ترویج رابطه مثبت و معنی‌دار در سطح ۱ درصد خطا وجود دارد. در سایر موارد ارتباط معنی‌دار وجود ندارد.

#### نتیجه‌گیری بحث و پیشنهادها

از ۳۵۰ نفر زن روستایی مورد مطالعه بیشترین تعداد زنان روستایی ۲۶۲ نفر (۷۴/۹ درصد) بیان کرده‌اند که میزان مشارکت زنان در توسعه پایدار روستایی در چند سال اخیر افزایش یافته‌است شش نفر (۱/۷ درصد) بیان کرده‌اند که مشارکت زنان روستایی در توسعه پایدار روستایی در چند سال اخیر کاهش یافته، ۷۴ نفر (۲۱/۱ درصد) بیان کرده‌اند که تفاوتی نکرده. این نتایج نشان دهنده آن است که در سالهای اخیر زنان روستایی به این باور رسیده‌اند که با شرکت در فعالیتهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و آموزشهای مشارکتی نقش چشم‌گیری در توسعه روستاها دارند و می‌توانند در همه زمینه‌ها دوشادوش مردان گام بردارند.

نتایج نشان می‌دهند بین سن زنان روستایی و میزان مشارکت در فعالیتهای اقتصادی رابطه مثبت و معنی‌دار در سطح ۱ درصد خطا وجود دارد. به این معنی که با بالا رفتن سن زنان روستایی میزان مشارکت آنها در فعالیتهای اقتصادی افزایش می‌یابد که این نتیجه با نتایج Reza'yi Ghaderi (2004) مغایرت دارد. بین بعد خانوار و میزان مشارکت در فعالیتهای اقتصادی رابطه مثبت و معنی‌دار در سطح ۱ درصد خطا وجود دارد. به این معنی که با بالا رفتن تعداد افراد خانواده میزان مشارکت آنها در فعالیتهای اقتصادی نیز افزایش می‌یابد و به همین دلیل است که خانواده‌های روستایی دارای تعداد فرزندان زیاد هستند و از این طریق به اقتصاد خانواده کمک می‌کنند. این نتیجه با نتایج Mathur (1994) مطابقت دارد. بین سطح تحصیلات زنان روستایی و میزان مشارکت آنها در فعالیتهای اقتصادی رابطه منفی و معنی‌دار در سطح ۱ درصد خطا وجود دارد. به این معنی که با افزایش سطح تحصیلات زنان روستایی میزان مشارکت آنها در فعالیتهای اقتصادی در سطح روستا کاهش یافته‌است. زنان باسواد عمدتاً از وضعیت مالی مناسب‌تری برخوردار

داشته باشند و این امر میسر نمی‌گردد مگر با شناخت عناصر اقلیمی، جمعیتی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی هر منطقه و همچنین نوع ارتباط این عناصر با عناصر خارج از منطقه و بیرونی. چنین مطالعه و شناختی موجبات برنامه ریزی هرچه بهتر و منطبق با نیازهای منطقه را فراهم کرده و از هدر رفتن سرمایه‌گذاری‌های انجام شده جلوگیری می‌کند. اگر امکانات آموزش، بهداشت، اشتغال، درمان و غیره در روستا فراهم گردد و ارتقاء سطح کیفی زندگی روستائی همانند شهر مورد توجه قرار گیرد، مهاجرت تعدیل می‌شود. از طرفی حمایت از تولیدات کشاورزی و دامی روستاییان و همچنین صنایع محلی و جذب بازارهای مناسب برای آن از طرف حکومت‌ها می‌تواند در دلبستگی روستاییان به زندگی روستایی موثر واقع شود. در نهایت نگاه مثبت برنامه‌ریزان امر توسعه به مشارکت زنان روستایی، کمک شایانی به ارتقای موقعیت یک خانواده بهره‌مند روستایی خواهد رساند و عاملی جهت کاهش شکاف میان خانواده‌های شهری و روستایی خواهد گردید.

#### پیشنهادهای

- با عنایت به نتایج آزمون مقایسه‌ای، زنان روستایی که به عنوان کارگر روزمزد کار نمی‌کنند توانایی بیشتری جهت مشارکت در زمینه اجتماعی- فرهنگی دارند. لذا جهت افزایش توانایی مشارکت کارگران روزمزد در زمینه اجتماعی- فرهنگی پیشنهاد می‌شود مسئولان زنان روستایی شهرستان شوش اقدام به برگزاری نشست‌هایی با حضور زنان روستایی که به عنوان کارگر روزمزد کار می‌کنند، نموده و با آنها در زمینه دلایل عدم حضورشان در فعالیتهای اجتماعی- فرهنگی رایزنی کرده و همچنین اقدام به برگزاری کلاس‌های رایگان در زمینه‌های مورد علاقه آنها (مانند کلاس‌های دینی و احکام) در اوقات فراغتشان کنند.

- پیشنهاد می‌شود جهت افزایش انگیزه زنان روستایی جهت مشارکت در توسعه پایدار روستایی نقش تسهیلگران زن روستایی پررنگ‌تر شده و آنان جهت ایجاد و تقویت انگیزه مشارکت در زنان روستایی آموزش‌های لازم را ببینند. در این رابطه همچنین پیشنهاد می‌گردد با به‌کارگیری رهیافت PRA (ارزیابی مشارکتی روستایی) توسط این تسهیلگران و با استفاده

فعالیت‌ها در منزل و همزمانی با وظایف خانه‌داری آنان باشد. همچنین مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های اجتماعی- فرهنگی به ویژه در مراسم مذهبی و بهداشت عمومی روستا و وظایف فرهنگی (انتقال ارزش‌های فرهنگی به کودکان) چشمگیرتر از سایر موارد بوده است. اما متأسفانه حضور آنان در مراکز تصمیم‌گیری از قبیل شورای اسلامی روستا و یا همکاری با دهیاری روستا با وضعیت مطلوب فاصله زیادی دارد که نیازمند فرهنگ‌سازی هر چه بیشتر و ایجاد زمینه‌ها و بسترهای لازم برای افزایش توان و نفوذ اجتماعی آنان می‌باشد. اولویت‌بندی موانع مشارکت زنان روستایی در توسعه پایدار نیز نشان داده است که علی‌رغم بهبود نسبی اوضاع هنوز هم زنان در مقایسه با مردان در جامعه روستایی از امکانات آموزشی محدودتری برخوردارند و به همین دلیل مشارکت فعال آنان در توسعه پایدار به دلیل پایین بودن سطح اطلاعات و دانش‌های عمومی و تخصصی با دشواری روبرو خواهد بود. اولویت‌بندی نیازهای آموزشی زنان روستایی نشان داده‌است که آموزش‌های ترویجی می‌بایست همواره در راستای ایجاد اشتغال و افزایش مهارت‌های حرفه‌ای اقتصادی این زنان به ویژه در فعالیت‌های حیطه صنایع دستی باشد تا آنان کاربرد این آموزش‌های ترویجی را احساس کرده و از این دوره‌های آموزشی استقبال بیشتری به عمل آورند. نکات قابل توجه و امیدوار کننده آن است که علی‌رغم محدودیت‌ها و موانع فوق‌الذکر زنان روستایی روند مشارکت خود در توسعه پایدار روستایی در چند سال اخیر را مثبت ارزیابی نموده‌اند و این مشارکت در تمامی ابعاد توسعه پایدار (اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) با اختلاف‌هایی وجود داشته‌است.

نتیجه آخر اینکه زنان و مردان هر دو در برنامه‌های کشاورزی و توسعه روستایی نقش دارند، اما هرکدام بر اساس نوع فعالیت‌هایی که انجام می‌دهند آگاهی‌ها و نیازهای متفاوتی دارند از آنجا که کلیه فعالیت‌های انسان برای تأمین نیازمندی‌هایش انجام می‌گیرد و مهاجرت روستاییان به شهرها نیز به جهت امید به دستیابی زندگی بهتر و با کیفیت‌تر است، لذا می‌بایست دولت‌ها و حکومت‌ها در سیاست‌گذاری‌های خود و برنامه‌ریزی‌ها، توجه خاصی به برنامه‌ریزی منطقه‌ای

با رعایت میزان سهم هر عضو، به صورت دوره‌ای درآمد حاصل از فروش محصول هر بار نصیب یکی از اعضای تشکل شود. این امر انگیزه مشارکت آنان را افزایش داده و موجبات تقویت روحیه همکاری و همدلی را بین آنان افزایش می‌دهد. در این رابطه نیز مراکز کارآفرینی زنان روستایی می‌توانند به برگزاری کلاس‌های مورد نظر اقدام نمایند.

- در همین راستا، بررسی‌های میدانی در کنار مشاهدات محقق نشان از وضعیت نسبتاً مناسب سرمایه اجتماعی در بین زنان روستایی مورد مطالعه دارد. پیشنهاد می‌شود بررسی‌های عمیق‌تری با رویکرد مردم‌شناسانه و جامعه‌شناسانه، در خصوص عوامل موثر بر شکل‌گیری سرمایه اجتماعی در منطقه مورد مطالعه و الگو برداری از آن برای بسط و به کارگیری در سایر مناطق روستایی انجام پذیرد.

- با توجه به این‌که نتایج اولویت‌بندی نشان داده‌است که یکی از موانع عمده مشارکت زنان روستایی عدم امکان رشد بر اساس استعدادهايشان است. پیشنهاد می‌شود جهت از بین بردن این مانع اقدام به راه‌اندازی اتاق رشد ( مرکز رشد) برای زنان روستایی به خصوص زنان کارآفرین شود. به این صورت که ابتدا زنان در حیطه‌های مختلف کشاورزی، دامداری، خدمات و غیره تحت آموزش‌هایی قرار گیرند، سپس از زنان روستایی خواسته شود طرح‌های کسب و کار خود را در این زمینه‌ها ارائه دهند. از بین طرح‌های ارائه شده، طرح‌های برتر پذیرفته شوند و سپس زنان کارآفرین در اتاق‌های رشد در یک دوره آموزشی ( شش ماهه ) شرکت و پس از کسب موفقیت‌های اولیه به بانک معرفی شوند و بانک بر اساس طرح‌هایشان جهت اشتغال به آن‌ها اعتبار دهد. این اقدام می‌تواند توسط دفتر امور زنان جهاد کشاورزی و در چارچوب مراکز کارآفرینی زنان روستایی انجام شود.

- نتایج اولویت‌بندی نشان داد که زنان روستایی بیشترین مشارکت را در زمینه صنایع‌دستی دارند، از این رو پیشنهاد می‌گردد جهت تشویق زنان روستایی، در سطح دهستان‌ها اقدام به برپایی نمایشگاه‌هایی از دستاوردهای زنان روستایی در زمینه صنایع‌دستی، شود. همچنین به منظور کمک به اقتصاد خانواده، اقدام به

از هم فکری خود زنان روستایی روش‌های ایجاد و افزایش انگیزه مشارکت استخراج و در دستور کار قرار گیرند.

- برای توانمندسازی و توسعه این قشر از جامعه باید به یک جنبه از توسعه نیروی انسانی یعنی آموزش پرداخت. بنابراین باید به طور جدی به برنامه‌ریزی برای توسعه نیروی انسانی بخش کشاورزی به خصوص زنان و دختران روستایی اقدام کرده و سرمایه‌گذاری‌های فکری و مادی را در این زمینه متمرکز کرد. نتایج آزمون همبستگی نشان داده‌است که هر چه سطح تحصیلات زنان روستایی بالاتر رود، انگیزه مشارکت آن‌ها نیز افزایش می‌یابد، از این رو پیشنهاد می‌شود با کمک و مساعدت اهالی روستا جهت گسترش آموزش‌های از راه دور اقدام و زیرساخت‌های لازم جهت آموزش‌های مجازی فراهم گردند.

- علی‌رغم فعالیت‌های روزانه زیاد و شرکت زنان روستایی در فرآیند تولید و مشارکت در اقتصاد خانواده به دلیل دستمزدی نبودن کار زنان، فعالیت‌های آنان جزو فعالیت‌های اقتصادی به حساب نمی‌آید و اهمیت یافتن کاری که در عرصه عمومی و اقتصادی انجام می‌شود یعنی کار مزدی در برابر کار خانگی بدون مزد زنان موجب می‌شود این تصویر کلیشه‌ای حاکم شود که کارهای مهم همیشه به وسیله مردان انجام می‌گیرد. این باور جنسیتی که ملاک تقسیم کار اجتماعی در روستا است باعث می‌شود تا مردان به نتایج حاصل از فعالیت زنان اهمیتی ندهند و امتیازهای کمتری برای آنان قائل شوند. چنان که تاکنون از نظر حقوق و کسب فرصت‌های اجتماعی زنان پایین‌تر از مردان بوده‌اند. نتایج نشان داده‌است که زنان روستایی مشارکت کمی در بازاریابی و فروش محصولات دارند، لذا پیشنهاد می‌شود زنان با تشکیل کلاس‌هایی در این خصوص مورد آموزش سپس حمایت و تشویق قرار گیرند. در این زمینه هدایت و جهت‌دهی به برنامه‌ای با محوریت فعال‌سازی شبکه‌های تولیدی خانوادگی و محلی می‌تواند نقش پررنگ‌تر زنان را در این بخش به دنبال داشته باشد. برای مثال می‌توان زنان را در قالب یک تشکل غیررسمی به منظور جمع‌آوری و بازاریابی محصولات محلی (محصولات لبنی) سازماندهی نمود به گونه‌ای که

همکاری و مشارکت میان دولت و اعضای جامعه می‌تواند مثرتر واقع شده و نتایج مطلوبی را برای روستاها و بخش کشاورزی به همراه داشته باشند. دولت در پروژه‌های صندوق حمایت از توسعه فعالیت‌های زنان روستایی نقش هدایت‌کننده، حامی و آرایه دهنده امکانات و تسهیلات را دارا می‌باشد و در مرحله بعد، خود زنان روستایی هستند که می‌توانند با جمع‌آوری سرمایه‌های اندک و با تقویت صندوق‌های اعتباری خرد، زمینه را برای تشکیل صندوق حمایت فراهم آورند. این صندوق تنها ویژه پرداخت وام نیست بلکه مباحثی چون بازاریابی و آموزش نیز در آن جای دارد. صندوق حمایت از زنان روستایی این قابلیت را دارد که در آینده با بانک‌های خارجی نیز قرار داد منعقد نماید که دستیابی به این هدف نیازمند همت اعضا و تعریف اساسی فعالیت‌های صندوق‌ها است.

باید از روش‌های مستقیم و غیرمستقیم ارزش مشارکت زنان را در توسعه روستا مطرح کرد. یکی از مهمترین راه‌های افزایش ارزش مشارکت زنان در نزد آن‌ها این است که اهمیت فعالیت زنان روستایی در رسیدن به توسعه به خود آن‌ها ثابت شود و با مشخص شدن اهمیت مشارکت آن‌ها به شکل ملموس و عینی، مشارکت خودجوش آنها افزایش یابد.

هدایت آن‌ها جهت اشتغال در مشاغل خانوادگی نموده و تشویق شوند تا صنایع‌دستی خود را مستقیماً به تعاونی‌های زنان بفروشند، تا از سود بیشتری برخوردار شوند. همچنین در این رابطه پیشنهاد می‌گردد مراکز کارآفرینی زنان روستایی که جدیداً توسط سازمان جهاد کشاورزی راه‌اندازی شده‌اند جهت آموزش حرفه‌ای این زنان و افزایش کیفیت محصولات صنایع‌دستی و ایجاد خلاقیت‌های لازم در این زمینه با هدف نوآوری در محصولات اقدام نمایند.

- با توجه به نتایج حاصل از اولویت‌بندی مبنی بر این‌که زنان روستایی در زمینه اجتماعی- فرهنگی کمترین مشارکت را در همکاری با شوراها و دهیارها در روستا دارند ( که علت این امر طرز تفکر شوراها و دهیارها نسبت به حضور زنان بوده است ) پیشنهاد می‌شود جهت افزایش مشارکت زنان با شوراها و دهیارها و رفع بدبینی نسبت به حضور زنان اقدام به برگزاری جلساتی با حضور هم‌زمان نمایندگان شورا و دهیاری و تسهیلمان زنان روستایی شود.

- زنان روستایی افراد توانمندی‌اند که بهره‌گیری از استعداد و قابلیت آن‌ها می‌تواند به جریان توسعه کمک نماید و چنانچه مورد غفلت قرار گیرند، روند توسعه نیز دچار اختلال خواهد شد. از این رو ایجاد صندوق حمایت از توسعه فعالیت‌های زنان روستایی به منظور افزایش

## REFERENCES

1. Abdollahi, E. (2005). *local and public associations' (CBOS) analysis in facilitator (promoting) programs about rural sustainable development, a case study of rural islamic councils of cities Miando'ab and Shahindezh of Azarbaijan-e-Gharbi province*. MA thesis. Agricultural College of Tehran University. P: 160 (In Farsi).
2. Acharya, M., & Bennett, L. (1983). *Women and the Subsistence Sector: Economic Participation and Household Decision- Making in Nepal*. World Bank staff working papers, 0253-2115 ; no. 526
3. Ali'abadi, V. & Bahrami, M. (2009). Women, leaders of rural sustainable development arena. *The first national conference on rural sustainable development*. Ordibehesht 30<sup>th</sup>, Kermanshah (In Farsi).
4. Alibeigi, A. H. & Bani'amerian, L. (2009). Demographic factors affecting rural women participation in promoting programs: case study of Songhor and Kolyai city. *Women's Studies*, 7(2), 115-133. (In Farsi).
5. Baradaran, M. (1990). *A review of rural women activities field and determining their training needs in the form of household promotion- based on field research in four selected villages of Ramhormoz, Khuzestan*. MA thesis. Tarbiat Modarres University. (In Farsi).
6. Clayton, A., Oakley, P. & Pratt, B. (2003). *Empowering People: A Guide to Participation*. Translated by: Pirooz Izadi. Village and Developmnet publication, Tehran, p:98. ( In Farsi).
7. Dashti, S., Monavari, M. & Sabzghabayi, Gh. R. (2007). Strategies to achieve rural sustainable development using assessment of the environmental ability of Zakhord watershed. *Environmental Science*, 6(2), 77-86. ( In Farsi).
8. Effati, M. & Kapoorian, M. (1997). *Social participation of Mazandaran rural women*. People promotion and participation publication. Tehran. ( In Farsi).

9. Effati, M. (1994). A review of attraction mechanisms of rural women participation in rural development planning of Iran. *Body of articles of seminar on educational and promoting status of rural women*. Publisher: public participation and promotion deputy of Jahd-e-Sazandegi ministry. Pp: 84-115. (In Farsi).
10. Hajilo, F. & Khani, F. (2008). Effects of a group of independent women view men rural a case Study of East Azerbaijan. *Journal of Rural Development*. 11(1). 151-171. ( In Farsi).
11. Javier, M. (2009). Health Consequences of Rural Women's Productive Role in Agriculture in the Philippines and Other Developing Countries. *Journal of International Women's Studies*. 10 (4) :95-110.
12. Khaledi, Kh.; At'hari, Z. & Afzali, M. (2009). Sustainable development with an approaching to participation of rural women in training-promoting programs following Sherry Arnestein Ladder of Participation. *The first national conference on rural sustainable development*. Ordibehesht 30<sup>th</sup>, Kermanshah. (In Farsi).
13. Killerby, P. (2001). Social capital, participation and sustainable development: recent examples of inclusive consultation in New Zealand" *International community Development conference*, Rotorua, New Zealand.
14. Khani, F. (2006). Rural Development and Challenges of women's employment. *Geographical Research*. 38(55). 171-188. (In Farsi).
15. Kongolo, M & Bamgose, OO. (2002). Participation of Rural Women in Rural Development: A Case Study of Tsheseng, Thintwa, and Makhalaneng Villages, South Africa. *Journal of International Women's Studies* 4 (1): 56-59.
16. Lee, S. (2007). *Diversification of the Rural Economy: a case study on Rural Industrialization in the Republic of Korea*. Pyongyang: Inses.
17. Movahhed, H., Lashgarara, F. & Karkehabadi, N. (2006). Analysis of gender and rural women. *Bimonthly of Jahad*. 273, 266-291.
18. Mathur, A. (1994). Work participation, gender and rural development: A quantitative anatomy of the Indian Scenario. *Journal of Development Studies*. 30 (3): 466-504.
19. Nezhadi, Athare. (2004). Rural and nomadic (Ashayeri) women and girls in Islamic Republic of Iran. *Payam-e-Zan monthly – special monograph on women in Islamic republic of Iran/ second volume - 13 (12)*. Pp: 288-299. (In Farsi).
20. Noori, H., & Ghaffari, R. (2006). Status of rural women in sustainable development process. A case study of Chahar-Mahal-o-Bakhtiari province. *Village and Development Quarterly*. 9(3), 35-52. (In Farsi).
21. Oakley, P. (1991). *Project with People: The Practice of Participation in Rural Development*. Geneva, Switzerland: International Labour Office.
22. Reza'yi Ghaderi, Kh. (2004). *A review of ways to attract the social-economic participation of rural women emphasizing traditional institutions. Savad'kooch town case study*. MA thesis. Al'Zahra University, Tehran p: 100. (In Farsi).
23. Shamahmoodi, A., Mesgarah, E., & Soleimani, A. (2009). A review of reasons for lack of motivation of Harsin city women to attend the promoting classes. *The first national conference on rural sustainable development*. Ordibehesht 30<sup>th</sup>, Kermanshah. (In Farsi).
24. Sathiabama, K. (2010). *Rural Women Empowerment and Entrepreneurship Development*. Research Scholar, Department of Political Science and Development Administration, Gandhigram Rural Institute, Dindigul District eSS Student papers Sathiabama/Women Empowerment April 2010.
25. Summer-Effler, E. (2002). *The Micro Potential for Social Change: Emotion, Consciousness, and Social Movement Formation*, Sociological Theory, 20 (1): 41-60.
26. Safari-Shali, R. (2001). The role of Economic and social empowerment of women in rural sustainable development. *The first conference on rural women micro-credit*. 17-18 Aban. Tehran. II, 113-138. (In Farsi).
27. Taleb, M. & Najafi Asl, Z. (2010). Some doctorines of rural participation process in Iran. *Journal of Rural Studies* 1(9), P. 27.
28. Vosooghi, M., & Aghabin, A. (2005). Sociological research on social participation of rural women of Aghkand village of Mianeh city. *Social sciences biquarterly* (25), 195-224. (In Farsi).
29. Veisi, H., & Badsar, M. (2005). A review of factors affecting women social roles in rural activities: case study of Kurdistan province. *Village and Development Quarterly*, 8(4), 19-37. (In Farsi).
30. Yaghubi, J. (2005). A review of micro credit effects on Zanjan province rural women's employment. *Women research*, 3(1), 125-146. (In Farsi).
31. Interview Isavand, Z. (2010). Susa city bachelor of rural women. (In Farsi).